

## غزل شماره ۴۸۰

ای که در کشتن ما بیچ مدارا کنی

سود و سرمایه بسوزی و محابا کنی

درمندان بلا زهر حلاهل دارند

قصه این قوم خطا باشد مان تا کنی

رنج مارا که توان برد به یک گوشه چشم

شرط انصاف نباشد که مداوا کنی



دیده ما چو به امید تو دریاست چرا

به تفرج گذری بر لب دریا کنی

نقل هر جور که از خلق کریمت کردند

قول صاحب غرضان است تو آن ها کنی

بر تو گر جلوه کند شاهد ما ای زاهد

از خدا جز می و معشوق تمنا کنی

حافظا سجده به ابروی چو محرابش بر

که دعایی ز سر صدق جز آن جا کنی



## تفسیر فال

بی‌گدار به آب زدن، به معنای اقدام شتابزده و بدون تفکر در مسائل مهم زندگی است و ممکن است عواقب ناخوشایندی به همراه داشته باشد. هنگامی که شما بدون اندیشه و تأمل کاری را انجام می‌دهید، خطر از بین رفتن دارایی‌ها و منابع خود را افزایش می‌دهید، که این امر نه تنها بر روی خودتان تأثیر منفی خواهد گذاشت بلکه بر روی افرادی نیز که به شما با چشم امید رجوع می‌کنند، تأثیر خواهد داشت. این افراد انتظار دارند که شما در کنارشان باشید و حمایتشان کنید؛ بنابراین، انصاف نیست که آنها را از خود دور سازید و در لحظات حساس زندگی آنها را ناامید کنید. علاوه بر این، جلوه‌هایی از حاجات و نیازهای روحی بر شما آشکار شده است که می‌تواند نشانه‌ای از ضرورت توجه بیشتر به دعا و نیایش با خداوند باشد. از خدا بخواهید تا این حاجات نه تنها برآورده شود بلکه کامل گردد؛ چراکه ایمان به قدرت دعا و نقش آن در تغییر سرنوشت انسان‌ها امری شناخته شده است. بنابراین، با صدق قلبی و وفاداری واقعی دعا کنید تا نه تنها خود بلکه دیگران نیز از الطاف الهی بهره‌مند شوند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)